

## تأثیر گزارش‌گری محافظه‌کارانه استهلاک بر ارزش بازار سهام، رابطه ارزشی سود و پایداری سود

مه‌دی بهار مقدم\*، مه‌ناز سالاری\*\*

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۰/۱۸

تاریخ تصویب: ۹۰/۱۱/۱۱

### چکیده

گزارش‌گری محافظه‌کارانه اثرات مثبت و منفی متفاوتی بر واحد تجاری دارد. از جمله مهم‌ترین اثرات مثبت می‌توان به افزایش کیفیت اطلاعات مالی و در نتیجه کاهش ریسک این اطلاعات و هزینه سرمایه واحد تجاری اشاره کرد. علاوه بر این در صورت رعایت اصل محافظه‌کاری، قابلیت اتکای اطلاعات مالی و ارزش آن بیشتر می‌شود. از این رو توان اعمال قضاوت توسط مدیریت و در نتیجه پایداری سود کاهش خواهد یافت. اما مهم‌ترین هزینه اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه، کاهش انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی واحد تجاری می‌باشد. در این پژوهش با توجه به وجود این منافع و هزینه‌ها، تأثیر گزارش‌گری محافظه‌کارانه استهلاک بر بازده بازار سهام، رابطه ارزشی سود و پایداری سود بررسی شده است. برای این منظور از اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ و از مدل‌های رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد واحدهایی که در گزارش‌گری استهلاک رویکرد محافظه‌کارانه اتخاذ می‌کنند، بازده بازار سهامشان بیشتر و پایداری سودشان کمتر است. اما رابطه‌ی ارزشی سودشان با سایر متغیرها تفاوت معناداری ندارد.

**واژگان کلیدی:** استهلاک اختیاری و غیر اختیاری، بازدهی بازار سهام، رابطه ارزشی سود و پایداری سود

کد طبقه بندی: M41

\*استادیار گروه حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول) (M.bahar330@yahoo.com)

\*\*کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه شهید باهنر کرمان (Mah\_salari@yahoo.com)

### مقدمه

محصول نهایی فرآیند حسابداری، ارائه اطلاعات مالی مفید به استفاده‌کنندگان مختلف اعم از داخلی و بیرون از واحد تجاری، در قالب گزارش‌های حسابداری جهت تصمیم‌گیری می‌باشد. اطلاعات مالی باید خصوصیات کیفی لازم را داشته باشند تا برای استفاده‌کنندگان در راستای ارزیابی وضعیت مالی، عملکرد مالی و انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری مفید واقع شود. خصوصیات کیفی اصلی مرتبط با محتوای اطلاعات، "مربوط بودن" و "قابل اتکا بودن" است (سازمان حسابرسی، ۱۳۸۶). یکی از اجزای خصوصیت کیفی قابل اتکا بودن اطلاعات مالی، محافظه‌کاری می‌باشد که از آن به عنوان اصل احتیاط نیز یاد شده است. در مفاهیم نظری گزارش‌گری مالی، احتیاط به عنوان کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است، بیان شده است. واتس (۲۰۰۳) محافظه‌کاری حسابداری را به عنوان گرایش حسابداری در به‌کارگیری درجه بالاتری از تایید پذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با اخبار بد تعریف کرد. باسو (۱۹۹۷) اظهار می‌نماید که محافظه‌کاری، تایید پذیری متفاوت برای شناسایی درآمدها و هزینه‌ها به همراه دارد و منجر به کم‌نمایی سود و ارزش‌داری‌ها می‌شود.

اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه در گزارش‌گری مالی، منافع و هزینه‌هایی برای واحد تجاری دارد. واتس (۲۰۰۳) دلایل اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه را در چهار مورد خلاصه کرده است که شامل: خنثی کردن تمایل جانبدارانه مدیران، کاهش دعاوی حقوقی، کاهش یا به تعویق انداختن مالیات و انعقاد قراردادهای کارا می‌باشد. داروغ (۱۹۹۳) و غفارلو (۱۳۹۰) مهم‌ترین مزیت اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه در گزارش‌گری مالی را، ناشی از کاهش فشارها و تهدیدات رقابتی می‌دانند. کردلر و شهریاری (۱۳۸۹) کاهش هزینه‌های سیاسی را از عمده دلایل اتخاذ سیاست محافظه‌کارانه بیان می‌کنند و سازمان حسابرسی (۱۳۸۶) از محافظه‌کاری به عنوان اصل احتیاط یاد کرده است و بیان می‌کند محافظه‌کاری باعث افزایش کیفیت اطلاعات مالی از جمله خصوصیت کیفی قابل اتکا بودن می‌باشد. در مقابل همه این مزایای اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه در گزارش‌گری مالی، اتخاذ این رویکرد هزینه‌هایی نیز برای واحدهای تجاری در بر دارد. فلام (۲۰۰۹) مهم‌ترین هزینه اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه در گزارش‌گری مالی را، کاهش انتظارات از عملکرد آتی و در نتیجه کاهش بازدهی مورد انتظار از عملکرد آتی و در نتیجه کاهش ارزش بازار اوراق بهادار شرکت بیان می‌کند. غفارلو

(۱۳۹۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که اتخاذ رویکرد محافظه کارانه، هزینه سرمایه سهام شرکت را بالا برده و واحدهای تجاری برای کاهش هزینه سرمایه در مواقع نیاز به تأمین مالی از طریق حقوق صاحبان سهام، سطح محافظه کاری در گزارش‌گری مالی را کاهش می‌دهند تا به گونه‌ای کارا تر تأمین مالی بکنند.

یکی از رویدادها و وقایع اقتصادی که در گزارش‌گری مالی باید شناسایی و افشا شود، رویداد استهلاک دارائی‌های عملیاتی واحد تجاری است. استهلاک از جمله اقلام تعهدی سود و از اجزای بلندمدت اقلام تعهدی می‌باشد. اقلام تعهدی بلندمدت به اقلامی اطلاق می‌شود که حاصل فرآیند فروش نبوده و از دارائی‌های بلند مدت سرمنشأ گرفته باشند (دیچو، ۱۹۹۱). استهلاک در اثر استفاده از دارایی‌ها یا گذشت زمان اتفاق می‌افتد. به دلیل تعهدی بودن ماهیت استهلاک و با توجه به اینکه عمده پارامترهای استهلاک حسابداری، عمر مفید، روش حسابداری استهلاک و ارزش اسقاط، برآوردی هستند، از مهم‌ترین منابع مدیریت برای اعمال سیاست محافظه کارانه یا جسورانه در گزارش‌گری مالی محسوب می‌شوند (لئو، ۲۰۰۷). در رابطه با رویکرد گزارش‌گری استهلاک (محافظه کارانه یا غیر محافظه کارانه) نظرات متفاوتی ارائه شده است. کمیته استانداردهای سازمان حسابداری از یک سو در مفاهیم نظری گزارش‌گری مالی، به رعایت اصل محافظه کاری (احتیاط) برای افزایش خصوصیات کیفی اطلاعات مالی تأکید دارد و از طرف دیگر در استاندارد حسابداری شماره ۱۱ ایران (دارائی‌های ثابت) بر متناسب بودن استهلاک حسابداری و استهلاک اقتصادی تأکید داشته و بیان می‌کند: *دارایی ثابت به موازات کسب منافع، مستهلک می‌گردد و اتخاذ روش استهلاک دارائی‌ها باید با الگوی کسب انتفاع از دارائی‌ها متناسب باشد.* با در نظر گرفتن منافع و هزینه‌های اتخاذ رویکرد محافظه کارانه برای واحد تجاری، این سؤال اساسی مطرح می‌شود که آیا در گزارش‌گری استهلاک رویکرد محافظه کارانه وجود دارد یا خیر؟ پژوهش بهار مقدم و سالاری (۱۳۹۰) و لئو (۲۰۰۷) در پاسخ سؤال بیان می‌کنند که در گزارش‌گری استهلاک رویکرد محافظه کارانه وجود دارد.

در این مقاله با توجه به اهداف گزارش‌گری مالی، خصوصیات کیفی اطلاعات مالی از جمله رعایت اصل محافظه کاری و با توجه به وجود رویکرد محافظه کارانه در گزارش‌گری استهلاک، به تأثیر گزارش‌گری محافظه کارانه استهلاک بر روی عواملی چون بازدهی بازار سهام، رابطه‌ی ارزشی سود و پایداری سود پرداخته شده است. در رابطه با ارتباط بین

گزارش‌گری محافظه کارانه استهلاک و بازدهی بازار سهام، با توجه به اینکه محافظه‌کاری از یک سو با افزایش کیفیت اطلاعات مالی، ریسک اطلاعاتی شرکت را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر با کاهش انتظارات بازار سرمایه، بازده مورد انتظار را نیز پایین می‌آورد، این سؤال مطرح می‌شود که محافظه‌کاری در نهایت باعث افزایش بازدهی بازار سهام یا کاهش آن می‌شود؟ علاوه بر این با توجه به این که محافظه‌کاری از جمله خصوصیات کیفی اطلاعات مالی می‌باشد، این سؤال مطرح می‌شود که رعایت اصل محافظه‌کاری در گزارش‌گری استهلاک منجر به افزایش رابطه‌ی ارزشی سود می‌شود؟ و در نهایت، با توجه به اینکه محافظه‌کاری به عنوان ابزاری برای کاهش تمایل جانب‌دارانه مدیریت در ارائه اطلاعات یک-طرفه می‌باشد، این پرسش پیش می‌آید که وجود رویکرد محافظه کارانه باعث کاهش پایداری سود می‌شود؟

### پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی عوامل وجود محافظه‌کاری در گزارش‌های مالی را مورد بررسی قرار دادند. واتس (۲۰۰۳) این عوامل را در چهار مورد خلاصه می‌کند که شامل؛ وجود قراردادهای گوناگون بین واحد تجاری و ذی‌نفعان برون‌سازمانی، احتمال طرح دعوی حقوقی علیه واحد تجاری، کاهش یا به تعویق انداختن مالیات پرداختنی و خنثی کردن تمایل ذاتی مدیران جهت ارائه گزارش‌های اغراق آمیز می‌باشد. زیمرمن (۱۹۸۳) و کردلر و شهریاری (۱۳۸۸) اظهار می‌کنند که شرکت‌های بزرگ در تلاش برای کاستن از هزینه‌های سیاسی، در ارائه گزارش‌های مالی، محافظه کارانه عمل می‌کنند. در مقابل ایتردیز (۲۰۱۱) بیان می‌کند، به دلیل بالا بودن مشکل هزینه نمایندگی در شرکت‌های کوچک و تازه تاسیس، محافظه‌کاری در این نوع شرکت‌ها بیشتر از شرکت‌های بزرگ است. یافته‌های نوپس (۲۰۱۰) گویای این است که بالا بودن اهرم و در نتیجه وجود کشمکش بین بستانکاران و سهام‌داران مخصوصاً در حوزه سیاست‌های تقسیم سود، عاملی دیگر برای اتخاذ رویکرد محافظه کارانه است. رایان (۲۰۰۶) بیان می‌کند بیشتر بودن شتاب استهلاک حسابداری دارائی‌ها از استهلاک اقتصادی آن‌ها، نشان‌دهنده وجود رویکرد محافظه کارانه در گزارش‌گری استهلاک می‌باشد. لئو (۲۰۰۷) در بررسی‌ای با عنوان نقش گزارش‌گری محافظه کارانه در ارتباط بین اقلام تعهدی و جریان‌ات نقدی جاری و آتی اظهار می‌دارد، در صورتی که عمده منابع استهلاک، دارایی‌های عملیاتی

واحد تجاری باشد، ارتباط بین استهلاک و جریانات نقدی عملیاتی واحد تجاری منفی خواهد بود. زیرا هم‌زمان با استهلاک اقتصادی دارایی‌ها، استهلاک حسابداری نیز شناسایی می‌شود. اما در صورت اعمال محافظه‌کاری در شناسایی استهلاک حسابداری، ارتباط استهلاک حسابداری با جریانات نقدی آتی منفی خواهد بود. ایشان در نتایج بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که در گزارش‌گری استهلاک، رویکرد محافظه‌کارانه وجود دارد. فلسام (۲۰۰۹) مهم‌ترین هزینه اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه در گزارش‌گری مالی را کاهش انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی واحدهای تجاری می‌داند. بهار مقدم و سالاری (۱۳۹۰) بیان می‌کنند که در گزارش‌گری استهلاک، رویکرد محافظه‌کارانه وجود دارد. آن‌ها با توجه به اینکه شتاب استهلاک حسابداری دارائی‌ها بیشتر از شتاب استهلاک اقتصادی دارائی‌ها می‌باشد، به این نتیجه می‌رسند که در گزارش‌گری استهلاک، استهلاک حسابداری زودتر از استهلاک اقتصادی شناسایی می‌شود و آن‌ها بدین ترتیب وجود رویکرد محافظه‌کارانه در گزارش‌گری استهلاک را اثبات کردند. غفارلو (۱۳۹۰) در پژوهش خود بیان می‌کند که واحدهای تجاری در رویارویی با فشارهای رقابتی، در گزارش‌گری مالی رویکرد محافظه‌کارانه اتخاذ می‌کنند، اما در مواقع نیاز به منابع مالی (حقوق صاحبان سهام) به منظور افزایش انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی، سطح محافظه‌کاری در گزارش‌گری مالی را کاهش می‌دهند.

### فرضیه‌ها و مبانی نظری آن‌ها

با بررسی مبانی نظری، این تحقیق دارای سه فرضیه به شرح زیر است:

- فرضیه اول: "شرکت‌هایی که در گزارش‌گری استهلاک، رویکرد محافظه‌کارانه اتخاذ می‌کنند، بازده بازار سهام بیشتری نیز دارند."
- فرضیه دوم: "بین گزارش‌گری محافظه‌کارانه استهلاک و رابطه ارزشی سود رابطه مثبت و معنادار وجود دارد."
- فرضیه سوم: "بین گزارش‌گری محافظه‌کارانه استهلاک و پایداری سود رابطه منفی وجود دارد."

## مدل‌های آزمون فرضیه‌های پژوهش

### مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه اول

برای آزمون فرضیه اول تحقیق ارتباط ارقام تعهدی سود، از جمله قلم تعهدی استهلاک با بازدهی بازار سهام بررسی شده است. ارقام تعهدی به دو بخش کوتاه مدت و بلندمدت قابل تقسیم هستند. ارقام تعهدی کوتاه مدت که ارقام تعهدی سرمایه در گردش هم نامیده می‌شوند، جزئی از دارایی‌ها و بدهی‌های جاری، به غیر از وجه نقد هستند که در دوره تحت گزارش، ایجاد شده ولی به وجه نقد تبدیل نشده‌اند. اما ارقام تعهدی بلندمدت عمدتاً شامل استهلاک، کاهش ارزش دارایی‌ها و سایر ارقام تعهدی بلندمدت می‌باشد. ارقام تعهدی به دو بخش اختیاری و غیر اختیاری تقسیم می‌شوند. بخش غیر اختیاری، آن بخش از ارقام تعهدی است که مدیریت توان کمتری در دست‌کاری آن‌ها دارد اما بخش اختیاری ارقام تعهدی، امکان اعمال قضاوت بیشتری دارد. به علت اینکه متغیر کلیدی این پژوهش قلم تعهدی استهلاک می‌باشد، لذا با استفاده از مدل‌های مختلف استهلاک به دو بخش اختیاری و غیر اختیاری تقسیم شده است و اثر هر بخش به صورت جداگانه بر روی جریان‌های نقد مطالعه و از مدل زیر استفاده شده است.

$$RET_{i,t} = \alpha_0 + \beta_0 WAC_{i,t} + \beta_1 (-DDP_{i,t}) + \beta_2 (-NONDDP_{i,t}) + \beta_3 (-WD_{i,t}) \\ + \beta_4 OAC_{i,t} + \beta_5 Earn_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \epsilon_i$$

متغیر وابسته این مدل، RET، بازده بازار سهام شرکت می‌باشد. این متغیر حاصل مجموع ارزش بازار پایان دوره و سود تقسیمی شرکت به کسر ارزش بازار ابتدای دوره شرکت و آورده نقدی صاحبان سرمایه شرکت، به ارزش بازار ابتدای دوره حقوق صاحبان سهام می‌باشد. این متغیر از نرم‌افزار تدبیر پرداز برای هر یک از مشاهدات گردآوری شده است.

### متغیرهای مستقل اصلی

**WAC، ارقام تعهدی سرمایه در گردش:** که حاصل جمع تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی، موجودی کالا، حساب‌ها و اسناد پرداختی، مالیات و سایر سودهای دریافتی و پیش دریافت‌ها و پیش‌پرداخت‌ها می‌باشد. این متغیر با فروش شرکت همگن شده است.

**DDP، بخش اختیاری استهلاک:** که با استفاده از سه مدل برآورد شده است. در همه این مدل‌ها  $-DP$ ، کل استهلاک و جزء باقی مانده ( $V_i$ ) بخش اختیاری استهلاک می‌باشد و حاصل تفاضل بخش اختیاری از کل استهلاک، بخش غیر اختیاری استهلاک را تشکیل

می‌دهد. این متغیرها با دارایی‌های بلند مدت شرکت، همگن شده‌اند. اولین مدل با استفاده از میانه صنعت می‌باشد.

$$\frac{-DP_{it}}{LA_{it}} = \text{industry median} \left( \frac{-DP_{it}}{LA_{it}} \right) + V_i$$

در این مدل،  $\text{industry median}(-DP)$ ، میانه استهلاک صنعت در سالی است که شرکت در آن صنعت و سال فعالیت می‌کند و  $LA_{it}$ ، دارایی‌های بلندمدت می‌باشد که به عنوان متغیر همگن‌کننده استهلاک استفاده شده است.

دومین مدل استفاده از مدل جونز می‌باشد.

$$\frac{-DP_{it}}{LA_{it}} = \beta_1 \left( \frac{1}{TA_{it}} \right) + \beta_2 \left( \frac{\Delta Sale_{it}}{LA_{it}} \right) + \beta_3 \left( \frac{PPEG_{it}}{LA_{it}} \right) + V_i$$

در این مدل  $TA$ ، کل دارایی‌ها،  $\Delta Sale$  تغییرات فروش و  $PPEG$  ناخالص دارایی‌های مشهود می‌باشد.

سومین مدل استفاده از مدل لئو می‌باشد.

$$\frac{-DP_{it}}{LA_{it}} = \beta_0 \frac{I}{TA_{it}} + \beta_1 \frac{Sales_{it}}{TA_{it}} + \beta_2 \frac{PPEG_{it}}{LA_{it}} + \beta_3 ROA_{it-1} + V_i$$

در این مدل  $ROA$ ، نرخ بازده دارایی‌ها می‌باشد. بقیه متغیرها نیز قبلاً تعریف شده‌اند. با توجه به این که این مدل بازده دارایی‌ها در سال قبل را هم مورد توجه قرار می‌دهد، بهترین مدل به نظر می‌رسد. این موضوع در تحقیق لئونه و وسلی (۲۰۰۵) اثبات شده است.

$NONDDP$ ، بخش غیر اختیاری استهلاک: برابر است با تفاضل استهلاک اختیاری از

کل استهلاک

$WD$ ، کاهش ارزش دارایی‌های بلند مدت: زیان ناشی از کاهش ارزش دارایی‌های بلند

مدت

$OAC$ ، سایر اقلام تعهدی بلند مدت: حاصل کسر اقلام تعهدی کوتاه مدت و استهلاک و

کاهش ارزش دارایی‌ها از کل اقلام تعهدی. کل اقلام تعهدی هم برابر است با اختلاف سود

قبل از اقلام غیر مترقبه و جریان وجه نقد عملیاتی.

### متغیرهای مستقل کنترلی

سود قبل از اقلام غیرمترقبه، *Earn*، که با استفاده از نرم‌افزار پایگاه داده‌ای تدبیر پرداز به دست آمده است و با ارزش بازار ابتدای همان دوره همگن شده است. نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، *MTB*، که برابر با نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت به ارزش دفتری ابتدای دوره است.

برای آزمون این فرضیه، مشاهدات تحقیق از نظر سطح استهلاک اختیاری به سه دسته، استهلاک اختیاری سطح پایین، متوسط و بالا گروه‌بندی شده‌اند. مبنای استهلاک اختیاری محاسبه شده در این بخش، بهترین مدل تفکیک استهلاک به دو بخش اختیاری و غیر اختیاری (مدل لئو) می‌باشد. به عبارت دیگر ارتباط بین استهلاک و بازدهی سهام شرکت در سه دسته از مشاهدات بررسی شده است. مشاهداتی که چارک اول متغیر استهلاک اختیاری قرار می‌گیرند، به عنوان نمونه‌ای با کمترین سطح محافظه‌کاری شناخته می‌شوند و مشاهداتی که چارک دوم و سوم متغیر استهلاک اختیاری قرار می‌گیرند، به عنوان نمونه‌ای که در اتخاذ سیاست جسورانه یا محافظه کارانه حالت میانه‌رو دارند، شناخته می‌شوند و مشاهداتی که چارک چهارم متغیر استهلاک اختیاری هستند، به عنوان شرکت‌هایی که بیشترین سطح محافظه‌کاری در گزارش‌گری مالی دارند، شناخته می‌شوند. با گروه‌بندی مشاهدات در این سه دسته، اثر گزارش‌گری استهلاک بر روی بازدهی سهام به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

### مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه دوم

پیرو استون و هاریز (۱۹۹۱)، هر چه ارتباط بین سود حسابداری و بازدهی بازار بیشتر باشد، رابطه ارزشی سود حسابداری نیز بیشتر خواهد بود. بنابراین هر چه همبستگی بین سود و تغییرات سود با بازدهی بازار سهام بیشتر باشد، در این صورت ارزش سود حسابداری بیشتر خواهد بود. زیرا ارزش اطلاعات مالی وقتی بالاست که اثر پیش‌بینی‌کنندگی و تأییدکنندگی داشته باشد. لذا مدل مورد استفاده برای آزمون این فرضیه به شرح زیر است:

$$RET_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Earn_{i,t} + \beta_2 \Delta Earn_{i,t} + \epsilon_i$$

متغیر وابسته این مدل *RET*؛ بازده بازار سهام است که قبلاً تعریف عملیاتی شده است.

متغیرهای مستقل:



*Earn*: سود قبل از اقلام غیر مترقبه. همگن شده با ارزش ابتدای دوره حقوق صاحبان سهام.

$\Delta Earn$ : تغییرات سود قبل از اقلام غیر مترقبه. همگن شده با ارزش ابتدای حقوق صاحبان سهام.

اما جهت آزمون ارتباط بین گزارش‌گری محافظه کارانه استهلاک و رابطه ارزشی سود، مشابه بخش‌های قبلی، نمونه تحقیق بر اساس متغیر استهلاک اختیاری به سه بخش مشاهداتی، با استهلاک اختیاری بالا، متوسط و پایین تقسیم شده است. بالا بودن استهلاک اختیاری شناسایی شده در دفاتر و صورت‌های مالی، نشان‌دهنده وجود رویکرد محافظه کارانه در گزارش‌گری استهلاک است.

در صورتی که قدرت توضیح دهندگی مدل در نمونه‌ای با سطح استهلاک اختیاری بالا بیشتر باشد، رابطه ارزشی سود نیز بیشتر است. به عبارت دیگر در صورتی که قدرت توضیح دهندگی سود و تغییرات سود بر روی بازدهی بازار سهام در مشاهداتی با استهلاک اختیاری بالاتر، بیشتر از سایر مشاهدات (استهلاک اختیاری متوسط و پایین) باشد، در این صورت فرضیه این بخش تایید می‌شود.

### مدل مورد استفاده برای آزمون فرضیه سوم

سود وقتی پایدار است که هماهنگ با سود سال‌های قبل باشد. به عبارت دیگر در صورتی که نوسانات دوره‌ای سود به حداقل برسد، گویند که سود پایدار است. در صورتی که سود با سودهای قبلی هماهنگی لازم را نداشته باشد، گویند که سود پایداری لازم را ندارد. برای آزمون فرضیه‌های این بخش از مدل زیر استفاده شده است. این مدل برگرفته از مدل باسو (۱۹۹۷) می‌باشد.

$$Earn_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_0 Earn_{i,t} + \beta_1 Dum + \beta_2 Dum_{i,t} \cdot Earn_{i,t} + \epsilon_i$$

متغیر وابسته این مدل، سود قبل از اقلام غیر مترقبه سال بعد ( $Earn_{i,t+1}$ ) می‌باشد. این متغیر با ارزش بازار ابتدای دوره حقوق صاحبان سهام همگن شده است.  
متغیرهای مستقل:

*Earn*: سود سال جاری. این متغیر سود قبل از اقلام غیر مترقبه سال جاری می‌باشد که با ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ابتدای دوره شرکت همگن شده است.

*Dum*: متغیر مصنوعی است و در صورتی که استهلاک اختیاری محاسبه شده با استفاده از مدل لئو، در چارک چهارم باشد برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود. به عبارت دیگر این متغیر برای شرکت‌هایی که در گزارش‌گری استهلاک، رویکرد محافظه-کارانه اتخاذ کرده باشد برابر با ۱ و برای سایر مشاهدات برابر با صفر خواهد بود.

*Dum.Earn*: حاصل ضرب متغیر مصنوعی در متغیر سود می‌باشد. در صورتی که ضریب  $\beta_2$  در این مدل منفی و معنادار باشد، فرضیه این بخش تأیید می‌شود. زیرا این موضوع نشان‌دهنده‌ی این موضوع است که در صورتی که شرکت در گزارش‌گری استهلاک، رویکرد محافظه‌کارانه اتخاذ کرده باشند، سود سال جاری با سود سال آتی رابطه عکس دارد؛ یا به عبارت دیگر پایداری سود کاهش پیدا می‌کند.

### نوع و روش پژوهش، جامعه و نمونه آماری

این تحقیق از جهت روش‌شناسی از نوع شبه تجربی و پس‌روی‌دادی و در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با اطلاعات واقعی صورت می‌گیرد و از لحاظ ماهیت و اهداف از نوع کاربردی است. اطلاعات واقعی نیز از گزارش‌های مالی استخراج شده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از مدل رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است.

در انجام این پژوهش از اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است، لذا جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. روش نمونه‌گیری از نوع حذفی است. بدین ترتیب شرکت‌ها باید ویژگی‌های زیر را داشته باشند تا عضو نمونه منظور شوند.

شرکت‌ها قبل سال ۱۳۸۰ در بورس پذیرفته شده باشند. زیرا از اطلاعات ۱۰ ساله شرکت‌ها برای تفکیک استهلاک، به استهلاک اختیاری و غیر اختیاری استفاده شده است و تهیه صورت جریان وجوه نقد در سال ۱۳۸۰ الزامی شده است؛ سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند باشد؛ شرکت‌ها نباید سال مالی خود را تغییر داده باشند؛ شرکت‌ها مربوط به واسطه‌گری مالی نباشند. زیرا ماهیت آن‌ها متفاوت از سایر شرکت‌های عضو می‌باشد؛ به علت نیاز به ارزش بازار شرکت‌ها، معاملات سهام شرکت بیش از ۴ ماه وقفه نداشته باشد؛ اطلاعات مورد نیاز شرکت‌ها در دوره مورد نظر در دسترس باشد. پس از حذف شرکت‌های فاقد شرایط

مذکور، تعداد ۸۲ شرکت به عنوان نمونه باقی مانده است. لذا کل مشاهدات ۸۲۰ شرکت - سال می‌باشد.

### یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی تحقیق در نگاره (۱) خلاصه شده است. بر اساس این آمار، برای استهلاک اختیاری و استهلاک غیر اختیاری، از مدل لئو (بهترین مدل برآورد استهلاک اختیاری) استفاده شده است.

### نگاره (۱): آمار توصیفی

انحراف استاندارد	میانگین	حداکثر	حداقل	تعداد مشاهده	نام متغیر	نماد
۰.۲۱	۰.۲۲	۲.۳۸	-۰.۲۰	۸۲۰	کل اقلام تعهدی	TAC
۰.۳۰	۰.۰۵	۱.۷۶	-۳.۸۵	۷۳۸	اقلام تعهدی سرمایه در گردش	WAC
۰.۳۶	۰.۱۶	۴.۴۸	-۱.۷۵	۸۲۰	اقلام تعهدی بلند مدت	LAC
۰.۱۳	۰.۰۷	۱.۷۷	۰.۰۰	۸۲۰	استهلاک	DP
۰.۰۸	-۰.۰۴	۰.۴۷	-۰.۸۲	۸۲۰	استهلاک اختیاری	DDP
۰.۱۰	۰.۱۰	۰.۹۲	۰.۰۳	۸۲۰	استهلاک غیر اختیاری	NONDDP
۰.۳۹	۰.۱۰	۴.۴۵	-۲.۱۶	۸۲۰	سایر اقلام تعهدی	OAC
۱.۴۴	۱.۲۰	۱۱.۴۳	۱.۱۲	۸۲۰	ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB
۰.۷۳	۰.۲۹	۶.۳۵	-۰.۷۸	۸۲۰	بازدهی بازار سهام عادی	RET
۰.۱۴	۰.۱۸	۱.۴۷	-۰.۲۴	۸۲۰	سود قبل از اقلام غیر مترقبه	EARN
۰.۱۶	۰.۰۰۶	۱.۴۴	-۰.۸۶	۷۳۸	تغییرات سود	DEARN

نگاره (۲)، ضرایب همبستگی بین متغیرهای اصلی را نشان می‌دهد. در این مدل نیز استهلاک اختیاری با استفاده از مدل لئو، از کل استهلاک تفکیک شده است.

## نگاره (۲): ضرایب همبستگی متغیرهای اصلی

متغیر	کل اقلام تعهدی	اقلام تعهدی سرمایه در گردش	اقلام تعهدی بلندمدت	استهلاک	استهلاک اختیاری	استهلاک غیر اختیاری	کاهش ارزش	بازده بازار	تغییرات سود	سود سال جاری
TAC	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-
WAC	۰.۳۹ <sup>oo</sup>	۱	-	-	-	-	-	-	-	-
LAC	۰.۲۶ <sup>oo</sup>	-۰.۱۴ <sup>oo</sup>	۱	-	-	-	-	-	-	-
DP	-۰.۰۰۲	۰.۰۸	-۰.۵۱ <sup>oo</sup>	۱	-	-	-	-	-	-
DDP	-۰.۰۰۲	۰.۰۴	-۰.۳۲ <sup>oo</sup>	۰.۷۵ <sup>oo</sup>	۱	-	-	-	-	-
nondp	۰.۰۲	۰.۰۲	-۰.۰۵	-۰.۰۸	-۰.۷۲ <sup>oo</sup>	۱	-	-	-	-
WD	-۰.۰۰۲	-۰.۰۸	۰.۴۵ <sup>oo</sup>	-۰.۸۰ <sup>oo</sup>	-۰.۶۰ <sup>oo</sup>	۰.۰۵	۱	-	-	-
RET	۰.۰۲	-۰.۰۴	۰.۰۶	-۰.۰۳	-۰.۰۳	۰.۰۲	۰.۳۶	۱	-	-
ΔEARN	-۰.۰۰۴	۰.۰۲	-۰.۱۴ <sup>oo</sup>	۰.۲۶ <sup>oo</sup>	۰.۱۹ <sup>oo</sup>	-۰.۰۲	-۰.۲۲ <sup>oo</sup>	۰.۰۳	۱	-
EARN <sub>t</sub>	۰.۰۴	۰.۰۴	-۰.۰۲	-۰.۰۳	-۰.۱۲ <sup>oo</sup>	۰.۱۴ <sup>oo</sup>	۰.۰۰۶	۰.۴۷ <sup>oo</sup>	۰.۰۳	۱

## نتایج آزمون فرضیه‌ها

## فرضیه اول: ارتباط بین گزارش‌گری محافظه کارانه استهلاک و بازدهی بازار سهام

در همه مدل‌ها ضریب تعیین تعدیل شده بالا و آماره‌ی دوربین واتسون و F نیز در حد قابل قبول می‌باشد. ارتباط بین اقلام تعهدی سرمایه در گردش و بازدهی بازار در همه مدل‌ها منفی و معنی‌دار است. این یافته بیانگر این است که با کاهش کیفیت سود (افزایش بخش تعهدی سود) بازدهی بازار اوراق بهادار نیز کاهش پیدا می‌کند. ارتباط بین استهلاک و بازدهی بازار منفی ولی بی‌معنا است. اما در صورتی که استهلاک به اجزای خود (بخش اختیاری و غیر اختیاری) تقسیم شود، نتایج متفاوت خواهد بود. ارتباط بین بخش اختیاری در مدل‌های میانه صنعت و مدل جونز، در سطح ۱۰٪ معنادار است. اما ارتباط بین بخش اختیاری استهلاک و بازدهی بازار در مدل لئو در سطح ۵٪ معنادار است. مثبت بودن این ارتباط بیانگر این است که با افزایش استهلاک اختیاری شناسایی شده، بازدهی بازار نیز بیشتر می‌شود. به عبارت دیگر با افزایش محافظه کاری در شناسایی استهلاک، بازدهی بازار سهام نیز بیشتر می‌شود. بخش غیر

اختیاری استهلاک هم هیچ ارتباط مشخصی با بازدهی بازار ندارد. ارتباط بین متغیرهای کنترلی سود و نسبت ارزش بازار به دفتری هم در همه مدل‌ها مطابق انتظار مثبت و معنادار است.

**نگاره (۳): ارتباط بین اجزای اقلام تعهدی از جمله استهلاک با بازدهی بازار سهام**

$$RET_{i,t} = \alpha_0 + \beta_0 WAC_{i,t} + \beta_1 -DDP_{i,t} + \beta_2 -NONDDP_{i,t} + \beta_3 -WD_{i,t} + \beta_4 OAC_{i,t} + \beta_5 Earn_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \epsilon_i$$

مدل‌های تفکیک استهلاک به دو بخش اختیاری و غیر اختیاری						کل استهلاک		علامت پیش بینی شده	متغیرها مستقل
مدل لئو		مدل جونز		میانه صنعت		سطح معنا داری	ضرایب		
سطح معنا داری	ضرایب	سطح معنا داری	ضرایب	سطح معنا داری	ضرایب	سطح معنا داری	ضرایب		
۰.۱۶	-۰.۳۶	۰.۰۰	-۰.۳۶	۰.۰۰	-۰.۴۱	۰.۰۰	-۰.۳۹		عدد ثابت
۰.۰۰	-۰.۸۶	۰.۰۰	-۰.۵۲	۰.۰۰۱	-۰.۴۵	۰.۰۰	-۰.۵۳	+/-	WAC
						۰.۱۳	-۰.۶۰	+/-	DP
۰.۰۲	۰.۷۲	۰.۰۷	۰.۵۵	۰.۰۹	۰.۵۱			+	DDP
۰.۳۸	-۰.۶۰	۰.۶۳	-۰.۱۲	۰.۶۷	-۰.۱۰			+/-	NONDDP
۰.۳۴	-۱۵.۶۲	۰.۷۴	-۵.۵۷	۰.۱۶	۱۶.۰۱	۰.۸۳	-۳.۵۰	*/-	WD
۰.۰۰	-۰.۸۲	۰.۰۰	-۰.۵۳	۰.۰۰	-۰.۴۵	۰.۰۰	-۰.۵۳	+/-	OAC
۰.۰۰	۲.۵۷	۰.۰۰	۲.۹	۰.۰۰	۲.۹	۰.۰۰	۲.۸۶	+	EARN
۰.۰۰	۰.۱۸	۰.۰۰	۰.۲۲	۰.۰۰	۰.۲۲	۰.۰۰	۰.۲۲	+	MTB
مفروضات مدل									
۰.۴۴	۰.۳۹		۰.۳۸		۰.۳۸		۰.۳۸		ضریب تعیین تعدیل شده
۱.۷۳	۱.۷۴		۱.۷۵		۱.۷۶		۱.۷۶		آماره‌ی دوربین واتسون
۳۵.۲۴۵	۴۵.۲۴۱		۴۰.۱۸		۵۶.۵۴		۵۶.۵۴		آماره‌ی F

جهت آزمون بیشتر فرضیه این بخش، نمونه با توجه به متغیر استهلاک اختیاری به سه بخش بالا، پایین و متوسط تفکیک شده است. در صورتی که استهلاک اختیاری مشاهده‌ای در چارک چهارم استهلاک اختیاری باشد، این مشاهده به عنوان طبقه بالا گروه‌بندی شده و جزء مشاهداتی با سطح محافظه‌کاری بالا محسوب می‌شود و به طور مشابه چارک‌های دوم و سوم جزء شرکت‌های میانه‌رو در اتخاذ سیاست محافظه‌کارانه، و مشاهداتی که در چارک اول

جای می‌گیرند جزء مشاهداتی با سطح محافظه‌کاری پایین دسته‌بندی شده‌اند. نتایج در نگاره (۴) خلاصه شده است.

### نگاره (۴): ارتباط بین اجزای اقلام تعهدی از جمله استهلاک با بازدهی بازار سهام در سطوح متفاوت محافظه‌کاری

$RET_{i,t} = \alpha_0 + \beta_0 WAC_{i,t} + \beta_1 -DDP_{i,t} + \beta_2 -NONDDP_{i,t} + \beta_3 -WD_{i,t} + \beta_4 OAC_{i,t} + \beta_5 Earn_{i,t} + \beta_6 MTB_{i,t} + \epsilon_i$									
سطوح محافظه‌کاری در شناسایی استهلاک						کل مشاهدات با استفاده از مدل لئو			
محافظه‌کاری بالا		محافظه‌کاری متوسط		محافظه‌کاری پایین					
سطح معنا داری	ضرایب	سطح معنا داری	ضرایب	سطح معنا داری	ضرایب	سطح معنا داری	ضرایب	علامت پیش‌بینی شده	متغیرهای مستقل
۰.۶۱	-۰.۲۴	۰.۰۷	-۰.۴۰	۰.۰۰	-۰.۵۳	۰.۱۶	-۰.۳۶		عدد ثابت
۰.۰۲	-۰.۶۷	۰.۰۰۲	-۰.۶۱	۰.۰۰۲	-۱.۰۷	۰.۰۰	-۰.۸۶	+/-	WAC
								+/-	DP
۰.۰۰۵	۲.۲۹	۰.۷۸	۱.۴۶	۰.۵۰	-۰.۵۲	۰.۰۲	۰.۷۲	+	DDP
۰.۲۷	۱.۵۵	۰.۶۰	-۱.۰۹	۰.۴۵	۰.۴۸	۰.۳۸	-۰.۶۰	+/-	NONDDP
۰.۹۱	-۹.۹۱	۰.۰۲	۳۱.۰۹	۰.۱۹	-۲۹.۲۸	۰.۳۴	-۱۵.۶۲	*/-	WD
۰.۰۹	-۰.۴۳	۰.۰۰۱	-۰.۶۱	۰.۰۰	-۱.۲۱	۰.۰۰	-۰.۸۲	+/-	OAC
۰.۰۰	۱.۶۵	۰.۰۰	۳.۴۳	۰.۰۰	۳.۳۱	۰.۰۰	۲.۵۷	+	EARN
۰.۰۲	۰.۰۹	۰.۰۰	۰.۲۴	۰.۰۰	۰.۳۶	۰.۰۰	۰.۱۸	+	MTB
مفروضات مدل									
۰.۳۸		۰.۴۷		۰.۵۱		۰.۴۴		ضریب تعیین تعدیل شده	
۱.۹۰		۲.۰۲		۱.۸۲		۱.۷۳		آماره‌ی دوربین واتسون	
۷.۲۴۵		۲۶.۵۴۵		۱۸.۲۹		۳۵.۲۴۵		آماره‌ی F	

نگاره (۴) بسط یافته آخرین ستون نگاره (۳) می‌باشد. ارتباط بین استهلاک اختیاری و بازدهی بازار برای کل مشاهدات مثبت و معنادار است. یعنی با افزایش سطح محافظه‌کاری، بازدهی بازار سهام نیز بیشتر می‌شود. در صورتی که کل مشاهدات از نظر سطح استهلاک گزارش شده به سه سطح پایین، متوسط و بالا تقسیم شود، ارتباط بین رویکرد گزارش‌گری و بازدهی بازار بهتر مشخص می‌شود. همچنان که مشخص است ارتباط بین گزارش‌گری محافظه‌کارانه استهلاک (سطح بالای استهلاک اختیاری گزارش شده) و بازدهی بازار مثبت و

در سطح اطمینان ۹۹٪ معنادار است. بنابراین با اطمینان بالایی می‌توان ادعا کرد که با اتخاذ رویکرد محافظه‌کارانه در گزارش‌گری مالی، بازدهی بازار نیز افزایش پیدا می‌کند. تحقیق داخلی یا خارجی در این زمینه مشاهده نشده است.

**فرضیه دوم:** بررسی ارتباط بین گزارش‌گری محافظه‌کارانه استهلاک و رابطه ارزشی سود نتایج آزمون فرضیه‌های این بخش در نگاره (۵) خلاصه شده است. ابتدا مشاهدات از نظر سطح استهلاک اختیاری به سه دسته‌ی استهلاک اختیاری بالا، استهلاک اختیاری متوسط و پایین تقسیم شده‌اند.

**نگاره (۵): بررسی ارتباط بین گزارش‌گری محافظه‌کارانه استهلاک و رابطه ارزشی سود**

$RET_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Earn_{i,t} + \beta_2 \Delta Earn + \epsilon_i$									
سطوح محافظه‌کاری در شناسایی استهلاک						کل مشاهدات با استفاده از مدل لئو			
محافظه‌کاری بالا		محافظه‌کاری متوسط		محافظه‌کاری پایین					
سطح معنا داری	ضرایب	سطح معنا داری	ضرایب	سطح معنا داری	ضرایب	سطح معنا داری	ضرایب	علامت پیش‌بینی شده	متغیرها مستقل
۰.۹۰	-۰.۰۲	۰.۰۵	-۰.۱۴	۰.۰۶	۰.۱۷	۰.۷۶	۰.۰۲		مقدار ثابت
۰.۰۰۴	۱.۸۴	۰.۰۰	۲.۴۳	۰.۰۲	۰.۸۴	۰.۰۰	۱.۵۷	+	Earn
۰.۰۲	-۰.۸۷	۰.۰۰	-۱.۳۴	۰.۰۰	-۱.۲۵	۰.۰۰	-۱.۱۸	-	$\Delta Earn$
مفروضات مدل									
۰.۱۸		۰.۲۷		۰.۲۳		۰.۲۲		ضریب تعیین تعدیل شده	
۱.۸۱		۱.۹۸		۲.۲۶		۱.۸۷		آماره‌ی دوربین واتسون	
۱۴.۸۶		۵۳.۹۵		۷۸.۸۵۲		۷۸.۱۹		آماره‌ی F	

در همه مشاهدات و همه گروه‌های مشاهدات از نظر سطوح محافظه‌کاری در گزارش‌گری استهلاک، رابطه بین سود و بازدهی بازار مثبت و رابطه بین تغییرات سود و بازدهی بازار منفی و معنادار هستند. اما با افزایش سطح محافظه‌کاری در گزارش‌گری استهلاک رابطه ارزش سود بیشتر نمی‌شود زیرا قدرت توضیح‌دهندگی مدل (ضریب تعیین تعدیل شده) افزایش پیدا نمی‌کند. این نتیجه مشابه مطالعه دیمیتریوس و همکاران (۲۰۰۹)،

مهنرام و بلچندرام (۲۰۰۶) و کارن تیتل و همکاران (۲۰۰۴) است. محرومی (۱۳۸۹) بیان می‌کند که سطح محافظه‌کاری در رابطه ارزشی سود اثر معنادار ندارد. البته معیار مورد استفاده در گزارش‌گری محافظه کارانه، مدل باسو (۱۹۹۷) بوده است که این مدل محافظه‌کاری مشروط را اندازه‌گیری می‌کند.

**فرضیه سوم:** بررسی ارتباط بین گزارش‌گری محافظه کارانه استهلاک و پایداری سود نتایج آزمون در نگاره زیر خلاصه شده است.

#### نگاره (۶): بررسی ارتباط بین گزارش‌گری محافظه کارانه استهلاک و پایداری سود

$Earn_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_0 Earn_{i,t} + \beta_1 Dum + \beta_2 Dum_{i,t} \cdot Earn_{i,t} + \epsilon_i$				
سطح معناداری	آماره‌ی آزمون	بتا (غیر استاندارد)	پیش بینی علامت	
۰.۰۰	۹۰.۱۹	۰.۱۰	+/-	مقدار ثابت
۰.۰۰	۹.۲۷	۰.۴۶	+	$Earn$
۰.۱۳	۱.۵۲	۰.۰۳	+/-	$Dum$
۰.۰۴	-۲.۰۵	-۰.۱۹۵	-	$Dum_{i,t} \cdot Earn_{i,t}$
۰.۱۵ = ضریب تعیین تعدیل شده				
۱.۹۶ = آماره‌ی دوربین واتسون				
F آماره‌ی = ۳۲.۲۲ ***				

در صورت وجود محافظه‌کاری در گزارش‌گری استهلاک، پایداری سود کاهش پیدا می‌کند. زیرا ضریب  $Dum_{i,t} \cdot Earn_{i,t}$  برابر ۰.۱۹۵ و منفی و معنادار است. این یافته مشابه یافته‌های پژوهش‌هایی مانند لئو (۲۰۰۷) و مشایخی (۱۳۸۸) می‌باشد. البته در تحقیق مشایخی، گزارش‌گری محافظه کارانه در صورت‌های مالی به طور کلی در نظر گرفته شده بود نه گزارش‌گری محافظه کارانه استهلاک.

#### نتیجه‌گیری و پیشنهادات



منافع و هزینه‌های اتخاذ رویکرد محافظه کارانه متفاوت است. از مهم‌ترین منافع اتخاذ رویکرد محافظه کارانه می‌توان به کاهش تمایلات جانب‌دارانه مدیریت در ارائه اطلاعات یک‌جانبه، کاهش یا به تعویق انداختن مالیات پرداختنی، کاهش دعاوی حقوقی، انعقاد قراردادهای کارا، کاهش فشارهای رقابتی، کاهش هزینه‌های سیاسی و افزایش کیفیت اطلاعات مالی را می‌توان نام برد. در مقابل این منافع، مهم‌ترین هزینه اتخاذ رویکرد محافظه کارانه، کاهش انتظارات بازار سرمایه از عملکرد آتی واحدهای تجاری و در نتیجه کاهش بازده مورد انتظار بازار سرمایه می‌باشد.

در این مقاله به تأثیر اتخاذ رویکرد محافظه کارانه در گزارش‌گری استهلاک بر روی عواملی چون بازده بازار سهام، رابطه ارزشی سود و پایداری سود پرداخته شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که مطابق انتظار، با اتخاذ رویکرد محافظه کارانه در گزارش‌گری، استهلاک باعث افزایش بازدهی بازار سهام می‌شود. از این رو به بازیگران بازارهای اقتصادی توصیه می‌شود که به بازده بالای شرکت‌هایی که در گزارش‌گری استهلاک رویکرد محافظه کارانه دارند، توجه داشته باشند. به علاوه، اتخاذ رویکرد محافظه کارانه در گزارش‌گری استهلاک، منجر به افزایش رابطه‌ی ارزش سود نمی‌شود. لذا به سهامداران و سرمایه‌گذاران و اعتبار دهندگان توصیه می‌شود تفاوتی بین ارزش سود شرکت‌های محافظه کار و سایر شرکت‌ها قائل نباشند.

در نهایت، می‌توان بیان کرد که اتخاذ رویکرد محافظه کارانه در گزارش‌گری استهلاک منجر به کاهش پایداری سود می‌شود.

## منابع

- ۱- ابراهیمی کردلر، علی و شهریاری، علی رضا. (پاییز ۱۳۸۸). "بررسی رابطه بین هزینه‌های سیاسی و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار تهران". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵۷، ۳-۱۶.
- ۲- افلاطونی عباس و نیکبخت لیلی. (۱۳۸۹). "کاربرد اقتصادسنجی در تحقیقات حسابداری، مدیریت مالی و علوم اقتصادی". چاپ اول. تهران: انتشارات ترمه.

- ۳- بهار مقدم، مهدی و سالاری، مهناز. (۱۳۹۰). "بررسی اثر گزارش‌گری محافظه کارانه بر ارتباط بین اقلام تعهدی بلندمدت و جریان‌های نقدی عملیاتی آتی در بورس اوراق بهادار تهران". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۴- غفارلو، عباس. (۱۳۹۰). "بررسی ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه-کاری مشروط حسابداری". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۵- کمیته‌ی فنی سازمان حسابرسی. (۱۳۸۶). "استانداردهای حسابداری"، تهران: سازمان حسابرسی، نشریه‌ی ۱۶۰.
- ۶- محرومی رامین. (۱۳۸۸). "رابطه ارزش اطلاعات مالی حسابداری محافظه کارانه و غیر محافظه کارانه". پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۷- مشایخی، بیتا، محمدآبادی، مهدی و حصارزاده، رضا. (۱۳۸۸). "تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر پایداری و توزیع سود". بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶ شماره ۵۶، ۱۰۷-۱۲۴.

8- Balachandram, S.V & P.S. Mohanram(2006); "Conservatism and the Value Relevance of Accounting" Online; <http://www.ssrn.com>

9- Basu, S.(1997); "The conservatism principle and the asymmetric timelines of earnings". *Journal of Accounting and Economics* 24: 3-37.

10- Beaver, W.H. ,and S.G. Ryan.(2005); "Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling". *Review of Accounting Studies*. online; <http://www.ssrn.com>

11- Cathy Zishang Liu. (200); "The Effect of Conservative Reporting on the Relationship between Long-Term Accruals and Operating Cash Flows: Implications for the Persistence and Relevance of Earnings". *University of Houston*; online; <http://www.proquest.com>

12- Darrough, M.N. (1993). "Disclosure policy and competition: Cournot vs. Bertrand". *The Accounting Review*. vol. 68: PP. 534-561.

13- Dimitrios, V. K, Anestis ,C. L & Christos, I. N (2009); "Value relevance of conservative and non-conservative accounting information"; *The International Journal of Accounting*; pp219-238.

14- Folsom, D.M. (2009). "Competitive Structure and Conditional Accounting Conservatism"; *A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the Doctor of Philosophy degree in Business Administration in the Graduate College of The University of Iowa*; online; <http://www.proquest.com>

- 15- Guay, W., and R.E. Verrecchia. (2007). "Conservative disclosure". *Working paper, Wharton School of Business, University of Pennsylvania*.
- 16- Iatridis, G.E. (2010). "Accounting disclosures, accounting quality and conditional and unconditional conservatism". *International Review of Financial Analysis*, vol. 20; PP: 88–102.
- 17- Karen, T and et al.(2004); "Conservatism and Shareholder Protection: One Effect or Two in the Explanation of the Differential Value Relevance of Earnings Across Countries"; *online; <http://www.ssrn.com>*
- 18- Knoops. C.D. (2010). "Accounting conservatism". *ERASMUS UNIVERSITY ROTTERDAM. Erasmus School of Economics*
- 19- Laffond, R. and R. L. Watts. (2006). "The Information Role of Conservative Financial Statements". On Line: [www.SSRN.Com](http://www.SSRN.Com).
- 20- Ryan, S.G. (2006). "Identifying conditional conservatism". *European Accounting Review*, vol. 15; PP. 511-525.
- 21- Watts, R.L. (2003)(a). "Conservatism in accounting part I: Explanations and implications". *Accounting Horizons*; vol. 17: PP.207-221.
- 22- Zimmerman J.L. (1983). "Taxes and Firm Size". *Journal of Accounting and Economics*; vol. 5; PP. 119-149.